

فهرست

متن‌شناسی، خودشناسی	نُه
پیشگفتار	۱

فصل اول

ایرانیان و تصحیح متون در پنج قرن نخست اسلامی

مقدمه‌ای در باب تصحیح متن	۵
دوران انتقال و تعریب فرهنگ ایرانی	۱۰
قرآن، سرآغاز اندیشه‌های متن‌شناسانه اسلامی	۱۲
کتابت و تدوین حدیث	۱۶
تحریف و تصحیف	۱۹
التنبیه علی حدود التصحیف	۲۵
روش‌های اخذ دانش و توثیق متن	۳۰
۱. روش‌های بازخوانی مکرر	۳۳
۲. روش‌های مبتنی بر نسخه‌شناسی	۳۸
۳. روش‌های مبتنی بر تبارشناسی	۴۲
کارکرد نسخه‌بدل در تمدن اسلامی	۴۶
متصدیان تصحیح متن	۵۲
محدثان	۵۳
دانشمندان و ادیبان	۵۳
وزّاقان	۵۴

.....	خلاصه و نتیجه گیری	۵۷
-------	--------------------	----

فصل دوم

سنت تصحیح متون فارسی از قرن پنجم تا پایان قرن نهم هجری

.....	مقدمه	۵۹
.....	اشاراتی به تصحیح متون در آثار فارسی	۶۱
.....	گزارش‌هایی از تصحیح چند متن	۷۴
.....	اختیارات شاهنامه	۷۵
.....	گردآوری دیوان مسعود سعد سلمان	۷۷
.....	شاهنامه به تصحیح حمدالله مستوفی	۷۹
.....	شاهنامه بایسنغری	۸۶
.....	تصحیح نسخه‌های خطی فارسی	۸۹
.....	نشانه‌ها، رمزاها و اصطلاحات تصحیح	۹۳
.....	یادداشت‌های بلاغ و مقابله	۱۰۱
.....	خلاصه و نتیجه گیری	۱۰۴

فصل سوم

تصحیح متون فارسی از قرن دهم تا پایان قرن دوازدهم هجری

.....	مقدمه	۱۰۷
.....	شیوع فن تصحیح متون	۱۰۸
.....	پیوند تصحیح متون با نقد ادبی	۱۱۳
.....	تصحیح دیوان حافظ در هرات	۱۱۶
.....	عبداللطیف عباسی، بزرگ‌ترین مصحح سنتی زبان فارسی	۱۲۰
.....	رمزهای تصحیح در نسخ خطی قرن دهم تا دوازدهم هجری	۱۵۰
.....	خلاصه و نتیجه گیری	۱۵۵

فصل چهارم

تصحیح متون فارسی در دوره جدید

.....	مقدمه	۱۵۷
.....	علامه محمد قزوینی	۱۶۳

فهرست

هفت

۱. نقد روش‌های تصحیح متن ۱۶۵
۲. شم فقهاتی یا توانایی اجتهاد ۱۶۸
۳. احتراز از تصحیح خودکار ۱۷۰
۴. توجه به نسخ اقدم و اصح ۱۷۲
۵. فامیل‌شناسی (تبارشناسی) نسخ ۱۷۴
۶. نسخه‌بدل ۱۷۵
۷. توجه به منابع جانبی ۱۷۸
۸. رسم الخط متون تصحیح‌شده ۱۸۰
- احمد بهمنیار کرمانی ۱۸۲
۱. ممارست در شناخت نسخه‌ها ۱۸۴
۲. اجتهاد مهارشده ۱۸۶
۳. کیفیت ارائه نسخه‌بدل ۱۸۷
۴. توجه به منابع جانبی و تحقیقات میدانی ۱۸۹
۵. رسم الخط متون تصحیح‌شده ۱۹۰
- محمدتقی بهار ۱۹۱
۱. نقد سنت تصحیح متن ۱۹۳
۲. ذوق متنبع و غیرمتنبع ۱۹۷
۳. اصلاح خطای مؤلف ۱۹۹
۴. رابطه قدمت و اصالت نسخه ۲۰۱
۵. نسخه‌بدل، منابع جانبی و رسم الخط ۲۰۱
- جلال‌الدین همایی ۲۰۴
۱. فلسفه تصحیح متون ۲۰۵
۲. نقد و بررسی سنت تصحیح متن ۲۰۶
۳. مقابله متن یا تصحیح متن؟ ۲۰۹
۴. معیارهای مصحح حقیقی ۲۱۰
۵. طبقه‌بندی و تبارشناسی نسخ ۲۱۲
۶. رابطه قدمت و صحت نسخه ۲۱۳
۷. خطرات ذوق لجام‌گسیخته و تصحیح خودکار ۲۱۵
۸. استفاده از منابع جانبی ۲۱۸

۲۱۸	۹. نسخه بدل
۲۲۱	۱۰. رسم الخط متون تصحیح شده
۲۲۴	مجتبی مینوی
۲۲۵	۱. مهار ذوق در تصحیح متون
۲۲۸	۲. نسخه های کهن تر باید معیار تصحیح باشد
۲۳۰	۳. انتقاد از تصحیح التقاطی
۲۳۰	۴. تصحیح انتقادی
۲۳۴	۵. عدم اعتماد به نسخه های کاتبان و مصححان ایرانی
۲۳۶	خلاصه و نتیجه گیری
۲۳۹	فرجام سخن
۲۴۳	تصاویر
۲۶۳	کتابنامه

متن‌شناسی، خودشناسی

ادبیات کلاسیک فارسی و در مقیاسی وسیع‌تر فرهنگ اسلامی هویت دیرین خود را در متن‌های بازمانده از دوره‌های پیشین بازیافته است. متن‌هایی که هر کدامشان بازگوکننده خطوط فکری و جهت‌گیری‌های دوره‌ای از دوران‌های تاریخی و، باریک‌تر از آن، بازتاب‌دهنده ابعاد شخصیتی پدیدآورندگان آن‌هاست. این متن‌ها از گذشته‌های دور به دست نسخه‌برداران و خواستاران آن رونویس شده و با نقص و کمبودهایی بالاخره به دست ما رسیده است. آنچه امروز برای فرهنگ و به‌ویژه ادبیات ما اولویت دارد بازیابی و نشر این میراث خطی به وجهی پسندیده و نزدیک به اصل آن‌هاست. این کار از طریق استفاده از شیوه‌های علمی تصحیح متن میسر می‌شود که تا دیروز گمان می‌رفت (دست‌کم برای بسیاری) که درست از غرب برای ما به ارمغان آمده است. دلیل عمده این پندار هم آن بود که، در ابتدای دوران استفاده از صنعت چاپ، غربیان متن‌های کهن ما را تصحیح و منتشر می‌کردند و برخی از محققان پیشگام ایرانی مانند محمد قزوینی هم نخستین کارهای متن‌شناسی خود را در غرب و گاهی با کمک غربیان سامان دادند.

کتاب حاضر گام را عقب‌تر می‌گذارد و ضرورت‌های بازیابی و بازشناسی متن‌ها را در فضای فرهنگ ایران در دوران اسلامی جستجو می‌کند و از مسیر این جستجو دست پر بازمی‌گردد. سخن بر سر این است که تمدن اسلامی وقتی در دامان فرهنگ ایرانی بارور شد و به شکفتگی و بالندگی مضاعفی دست یافت، نمی‌توانست از امر لازمی مثل رجوع به نصوص فرهنگی بی‌نیاز باشد و در این مراجعه لازم می‌آمد همه جنبه‌های اطمینان و اتقان را بیازماید تا آنچه به جایی و کسی منسوب می‌دارد در انتسابش ذره‌ای تردید روا نباشد. این ضرورت در آغاز

بایستی در سخنان و سیره پیامبر و نصوص منسوب به بزرگان دین، که مبانی اعتقاد با آن تفسیر می‌شد، به کار گرفته شود؛ امری که به علم درایت حدیث منتهی می‌شد.

در این کتاب، که ابتدا به عنوان رساله دکتری در قطب علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شد، سرچشمه‌های توثیق متن و زمینه‌های شناخت و ارزیابی نسخه‌های خطی فارسی واکاوی و بازشناسی شده و سهم ابزارهای اطمینان از انتساب صحیح اثر به صاحب آن بر اساس متون بازمانده نشان داده شده است. مرور تجربیات خلاقانه‌ای که برخی از مصححان پیشگام در دوره‌های گوناگون تاریخی پشت سر گذاشته‌اند زمینه را برای اظهار نظر در مورد شیوه‌های تصحیح متن در دامن فرهنگ ایرانی بیش از پیش فراهم می‌آورد.

نویسنده در این کتاب با حوصله و بردباری که لازمه پژوهش راستین است به سراغ منابع دست اول رفته و با دقت تمام اطلاعات لازم را از لابه‌لای سطور منابع عربی و فارسی به در کشیده و با یافته‌های محققان نزدیک به زمان معاصر محک زده است. حاصل این تجربه پژوهشی دوگانه ترسیم خطوط نسخه‌شناسی و شیوه‌های دقیق تصحیح متن در دامن فرهنگ ایران در دوران اسلامی بوده و در فرجام نشان داده است که تصحیح انتقادی متون فارسی، صدها سال پیش از آنکه لاجمان و دیگران در دنیای غرب به کار گیرند، در ایران برای بازشناسی میراث مکتوب این سرزمین موضوعیت داشته است.

جای چنین پژوهشی در زبان فارسی خالی بود و اکنون که این کتاب به چاپ می‌رسد به نظر می‌رسد به یکی از نیازهای مبرم در زمینه خودشناسی و خودآگاهی فرهنگی، که امروز بیش از هر زمان دیگری بدان نیازمندیم، پاسخ گفته شده است. برای مؤلف و ناشر در راهی که گام گذاشته‌اند قدم صدق آرزو داریم.

«عِنْدَ مَلِیکِ مُقْتَدِرٍ.»

دکتر محمد جعفر یاحقی

مدیر قطب علمی فردوسی و شاهنامه

دانشگاه فردوسی مشهد

پیشگفتار

سال‌های سال می‌گذرد از آن روزی که در حین خواندن تمهیدات عین القضاة همدانی ازدحامی از پاورقی‌های ناآشنا توجهم را جلب کرد؛ «نسخه‌بدل» اولین تیر را پرتاب کرده بود. وقتی دیگر دیوان حافظ می‌خواندم، سخن از اختلاف نسخه‌های آن به میان آمد. با خود گفتم: «مگر دیوان حافظ را حافظ نوشته است؟ پس دعوا بر سر چیست؟» مدت‌ها بعد، وقتی در میان جمعی از طالبان علم، اصول کافی می‌خواندیم و می‌شنیدم که فلان حدیث بدین لفظ در فلان نسخه نیامده یا در فلان چاپ نیست باز با خودم می‌گفتم: «مگر اصول کافی را یک تن که همان مرحوم کلینی باشد نوشته؟ پس این اختلاف هفتاد و دو ملت از کجا برخاسته است؟»

همین پرسش‌های به‌ظاهر ساده و بلکه به عقیده برخی «ساده‌لوحانه» گزیده‌ترین روزگار جوانی‌ام را به یغما برد، یغمایی دلکش و دلخواه؛ ریعان شباب به جای «افتد و دانی» به «نسخه‌شناسی و نسخه‌خوانی» گذشت. شانه به شانه «برگه‌های پیر» در کوچه‌های مبهم تاریخ قدم زدم و آشنایانی یافتم که عمرها در این کوچه‌ها سرگردان بودند و این بیت صائب ذکر مدامشان:

نشد ز نسخه‌دل نقطه‌ای مرا معلوم اگرچه عمر به تصحیح این رساله گذشت

نسخه‌های خطی نه‌تنها راویان فرهنگ و تاریخ پیشین‌اند، بلکه چگونگی دگرگونی‌ها را نیز روایت می‌کنند؛ روایتی که مصححان حاذق می‌شنوند و به گوش دیگران می‌رسانند. فن تصحیح متن شنیدن صدای تاریخ از زبان همین نسخه‌های

خاموش است و کار مصحح کاری نبی وار. «وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا.»

به راستی اولین کسی که کوشید تا صدای پیشینیان را از خلال نسخه‌های دستنویس باقی‌مانده از آنان بشنود کیست؟ این پرسش نیز مانند بسیاری دیگر از «اولین‌های ناشناس» بی‌جواب باقی مانده است:

پشه کی داند که این باغ از کی است کاو بهاران زاد و مرگش در دی است

اما بی‌جواب ماندن این پرسش بدان معنی نیست که ما نمی‌توانیم سنت تصحیح متن را روایت کنیم، بلکه بدان معناست که روایت ما کامل نمی‌تواند بود.

در این روزگار سرسری‌گذار که وجه شاخصه‌اش «شتاب و فرار» است پرداختن به مسائلی از این دست - بررسی سنت تصحیح متن - نوعی از جنون قلمداد می‌شود: والجنون فنون! اما عاقلان بهتر می‌دانند که پاسخ به بسیاری از پرسش‌های امروزی نیازمند غور و فرورفتن در جهان دیروز است، جهان مردمانی که بر شانه‌هایشان ایستاده‌ایم و آن‌ها نیز بر شانه‌های پیشینیان، هلم جر.

فهم عمیق و دقیق پاسخ این پرسش که دانش امروزی تصحیح متن (textual criticism) فراورده چه روندی بوده است به ما کمک می‌کند تا اولاً بخش‌هایی ناشناخته از تاریخ و فرهنگ خویش را بشناسیم و ثانیاً تجربیات تلخ و شیرین پیشینیانمان را در این حوزه پیش چشم بیاوریم و ثالثاً نسبت این دانش را با فرهنگ اسلامی-ایرانی بسنجیم. در این روزگار که تعصبات قومی و قبیله‌ای جای خود را به جزم‌اندیشی‌های علمی‌نما داده است، تأمل در کرده‌های پیشینیان، راهی پیش چشممان خواهد گشود به سوی فردایی روشن‌تر.

این پژوهش در دفاع از سنت تصحیح متن اسلامی-ایرانی نوشته نشده، بلکه کوشیده است تا این سنت را تبیین و تجزیه و تحلیل کند و پیش چشم مخاطب آگاه در ترازو نهد. از آنجا که این اثر نخستین پژوهش مستقل و تقریباً جامع در این حوزه است، بر سر هر جمله آن می‌توان اما و اگرها آورد و لم و لا نسلم

درانداخت. نگارنده نه در این وادی خود را کسی می‌پندارد و نه ادعایی دارد؛ تنها دل بدین خوش کرده است که عالمان و صاحب‌نظران در این کتاب بنگرند و عیب و هنرش را — اگر هنری داشته باشد — بازگویند، تا ان شاء الله زمینه‌ای فراهم آید برای تدوین آثاری جامع در این باب.

اکنون که سخن بدین جا رسید بر خود واجب می‌دانم از راهنمایی‌های استادان گرانقدری که در این کتاب سهم عظیم دارند سپاس بگزارم. استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر محمدجعفر یاحقی که همواره از افاضاتشان بهره‌ها برده‌ام از مشوقان اصلی بنده در این کار صعب بودند و به‌راستی اگر دلگرمی‌ها و پشتیبانی‌های ایشان نبود بسا که این کار به سرانجام نمی‌رسید؛ خدای خیر دهد آن که این عمارت کرد. استاد یگانه و نازنینم جناب آقای دکتر محمود امیدسالار «جزو اعظم» این پژوهش بودند و هر جا گرهی در کار پیش می‌آمد به دست گره‌گشای ایشان گشوده می‌شد؛ حفظه‌الله تعالی لجمیعنا. استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر عبدالله رادمرد که به حق «صیغه مشبهه رادمردی» است و منت‌هایشان بر سر بنده یکی دو تا نیست در این پژوهش نیز یاریگر بودند؛ وفقه‌الله تعالی فی سبيله.

استادان بزرگوار جناب آقای دکتر محمود عابدی، جناب آقای دکتر سید حسین فاطمی و جناب آقای دکتر ضیا موحد متن‌نهایی پژوهش را تیزبینانه و با وسواسی عالمانه، که شایسته چنین استادانی است، به مطالعه گرفتند و نکات ارزنده‌ای را گوشزد فرمودند که در تحریر نهایی اعمال گردید؛ خدای‌شان حفظ کناد. این پژوهش همچنین مدیون کمک دوستانی است که مرا به انحای گوناگون یاری رسانده‌اند. سپاسگزارم از پژوهشیان ارجمند، آقایان محمدمبین حق پرست و احمد امینی، که نکات قابل توجهی را به بنده یادآور شدند و نیز وامدار دوست نازنینم جناب آقای سید امیر منصوری‌ام که مرا در تهیه بسیاری از مواد این پژوهش یاری کرد و حق دوستی را بیش از آنکه باید، گزارد؛

دریغ و درد که تا این زمان ندانستم که کیمیای سعادت رفیق بود رفیق

خدایشان پاداشی دهد که از چنو خدایی سزد!

امیدوارم ناقدان بصیر و عالمان خبیر نگارنده را از نظرها و پیشنهادهای خویش
بهره‌مند سازند، که گفته‌اند:

اِذَا تَمَّ امْرُؤٌ دَنَا نَقْصُهُ تَوَقَّعَ زَوْالاً اِذَا قِيلَ تَمَّ

والسلام علی من اتبع الهدی

مجتبی مجرد

مشهد مقدس

زمستان ۱۳۹۴ شمسی

فصل اول

ایرانیان و تصحیح متون در پنج قرن نخست اسلامی

مقدمه‌ای در باب تصحیح متن

آنچه امروزه در عرف دانشمندان و اهل تحقیق دانش تصحیح متن نامیده می‌شود عبارت است از: به کارگیری مجموعه‌ای از روش‌ها و توانمندی‌ها که به مصحح امکان می‌دهد یک متن کهن و تاریخی را با استفاده از دستنویس‌های موجود آن بازسازی کند. این تعریف دربردارنده چهار مؤلفه اصلی دانش تصحیح متن است:

۱. در این دانش از روش‌های علمی و انتقادی برای بازسازی متن استفاده می‌شود.
۲. هدف نهایی تصحیح دستیابی به صورت اصیل متون کهن و تاریخی و بازسازی آنهاست.
۳. گستره آن تمامی آثار مکتوب پیشینیان را در بر می‌گیرد.
۴. مواد اصلی تصحیح متن نسخه‌های خطی هستند.

روش‌های تصحیح متن را — با توجه به نگرش‌های سنتی و نوین — به سه روش اصلی و چندین روش فرعی تقسیم کرده‌اند که روش‌های فرعی از ترکیب روش‌های اصلی پدید می‌آید. اما روش‌های اصلی عبارت‌اند از:

۱. روش سنتی - ذوقی: در این روش معیار شناختِ ضبط درست از نادرست ذوق و سلیقه شخصی مصحح است؛ ضمن آنکه وی خود را موظف به معرفی دستنویس‌های اساس کار خود و ثبت اختلاف نسخ نمی‌داند.

۲. روش علمی - خودکار: در این روش مصحح، با بررسی نسخه‌های خطی یک متن کهن، قدیمی‌ترین یا صحیح‌ترین نسخه را - به تشخیص خود - متن اصلی قرار می‌دهد و اختلاف سایر نسخه‌ها را به دقت و با نظمی خاص در پانویس صفحات یا انتهای متن ثبت می‌کند.

۳. روش علمی - انتقادی: در این روش مصحح تمام یا بخشی از نسخه‌های موجود یک اثر را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و پس از گروه‌بندی نسخه‌ها، بر اساس موازین خاص، یک یا چند نسخه را مبنا قرار می‌دهد و اختلاف سایر نسخه‌ها را با دقت ثبت می‌کند. در این روش، برخلاف روش علمی - خودکار، مصحح خود را ملزم به پیروی محض از نسخه یا نسخه‌های اساس نمی‌داند، بلکه ضبط‌های گوناگون را از نظر درجه اصالت ارزیابی می‌کند و از آن میان ضبط صحیح‌تر را برمی‌گزیند (ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۹۰: ۲۶۶-۲۶۴).

روش‌های تصحیح متن را به گونه‌های دیگری نیز از یکدیگر متمایز ساخته‌اند،^۱

۱. به عنوان نمونه، آقای نجیب مایل هروی در کتاب تاریخ نسخه‌برداری و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی شیوه‌های تصحیح متون را به چهار روش تقسیم کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. تصحیح متون بر مبنای نسخه اساس؛ ۲. تصحیح التقاطی؛ ۳. شیوه بینابین؛ ۴. تصحیح قیاسی (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۴۳۹-۴۳۴). امروزه در برخی از کشورها از روش‌های رایانه‌ای نیز در تصحیح متون استفاده می‌شود. البته باید توجه داشت که در این روش‌ها - که عموماً مبتنی بر ارائه داده‌ها و آمارگیری کمی از ضبط‌ها و دستنویس‌های یک اثر است - رایانه به عنوان دستیار و یاریگر مصحح به ایفای نقش می‌پردازد، نه آنکه خود به طور مستقل بتواند متنی را تصحیح کند. اولین نمونه تصحیح یک متن فارسی با استفاده از روش‌های رایانه‌ای «طرح متن جامع غزلیات سنایی» است که در سال ۲۰۰۱ میلادی به صورت یک پروژه